

سیره فرهنگی امام کاظم (ع)

سیدمحمد حسینی^۱

چکیده

فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه زمینه‌ساز تحول و توسعه در هر جامعه‌ای است. برای دستیابی به این مهم، وجود یک الگوی فرهنگی مناسب برای ارتقاء فرهنگ فردی و اجتماعی، ضرورت دارد. انتخاب الگوی درست، نیازمند تعریف و بازشناسی بهترین این الگوهاست. به همین دلیل، این مقاله می‌کوشد با بررسی سیره و رفتار امام کاظم (ع) در مواجهه با اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه و چگونگی به‌کارگیری ابزارهای فرهنگ‌ساز، در جهت بازتولید الگوی دینی متناسب با مقتضیات زمان گام بردارد. در همین جهت، ضمن تعریف برخی از مفاهیم اصلی و بررسی مقدماتی اوضاع سیاسی-اجتماعی آن عصر، با بهره‌گیری از گزارش‌های تاریخی از منابع حدیثی شیعه، به شیوه‌های رفتار حضرت در جهت فرهنگ‌سازی برای رهبری جامعه پرداخته شد. مهم‌ترین دستاورد این مقاله، ارائه برنامه‌های راهبردی برای توسعه فرهنگ دینی با تأکید بر نقش گفتمانی آموزه‌های قرآن در تربیت فرهنگی جامعه و تولید فرهنگ دینی، توسعه علوم به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگ‌ساز و اهتمام به رونق برنامه راهبردی و عملی شبکه سازمان‌یافته وکالت، برای مدیریت فرهنگی جامعه شیعه، از سیره امام کاظم (ع) است.

ص: ۳۵۸

واژگان کلیدی: سیره، فرهنگ دینی، امام کاظم (ع)، قرآن.

مقدمه

انسان بدون کشف واقعیت‌ها، آرام نمی‌گیرد و به گونه‌ای فطری و طبیعی، در جست‌جوی یافتن الگوها و سمبل‌های درست زندگی است. لذا سرمشق‌طلبی، سمبل‌خواهی، و در جست‌جوی الگو بودن، جزو ذات و سرشت انسان‌هاست. حال که بشر برای خودسازی و تربیت فردی و اجتماعی، به انواع الگوها نیاز دارد، باید الگوهای کاملی برای رشد و تعالی فکری و فرهنگی معرفی شود. در همه جوامع، انسان‌هایی به عنوان شاخص و الگو پذیرفته شده‌اند که رفتار و کردار و منش‌های فردی و اجتماعی ایشان در نوع رفتارهای فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به صورت متفاوت اثر گذاشته است. این‌که این الگو چگونه و دارای چه شرایطی باید باشد، انسان را به تکاپو و چاره‌جویی واداشت تا بتواند به این نیاز خویش پاسخ دهد. در همین جهت، مکاتب مادی در پاسخ به این نیاز وامانده و در تعیین الگوی حقیقی بدون نقص، هم‌چنان بی‌بهره مانده‌اند. اما دین مبین اسلام به عنوان چارچوبی مناسب برای رشد و تعالی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع.

انسان، برنامه‌های الهی را به بشر تقدیم می‌کند. معرفی پیامبر (ص) و پس از ایشان اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان اسوه حسنه، در واقع بهترین و شاخص‌ترین الگوی فرهنگی و تربیتی تعریف شده برای جامعه است. بر همین اساس، نگرش جامعه مسلمان به ویژه شیعیان درباره ایشان، مستلزم بررسی دقیق و موشکافانه ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان خواهد بود. لذا برای تحقق الگوی مناسب در جهت توسعه فرهنگ دینی و تبیین راهکارها و برنامه‌های فرهنگی، به بررسی سیره فرهنگی امام کاظم (ع) خواهیم پرداخت تا این نوشتار، زمینه‌ساز مطالعات بیش‌تر و دقیق‌تر در جهت بهره‌گیری بیش‌تر از سیره و زندگی این بزرگوار در تحقق الگوی مناسب و هدفمند برای توسعه فرهنگ شیعی باشد.

ص: ۳۵۹

چیستی و اهمیت فرهنگ، از مهم‌ترین مسائل در میان اندیشه‌وران علوم انسانی است. وجود تعاریف متعدد و متنوع درباره واژه فرهنگ، گویای این مطلب است. فرهنگ را به لحاظ اهمیت، در ابعاد مختلف می‌توان بررسی کرد: یکی جایگاهی است که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دوم نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. بعد اول در واقع همان اهمیت و جایگاه فرهنگ در موجودیت جامعه و بعد دوم، اهمیت و نقش فرهنگ درست در حرکت به سمت اعتلا جوامع است.

بی‌شک حوزه نفوذ فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر کشیده شده و همه ویژگی‌های غیر فیزیکی و متمایزکننده انسان‌ها از یکدیگر و نیز همه ویژگی‌های متفرقه جوامع، در فرهنگ آن‌ها نهفته است. فرهنگ بالاترین و والاترین عنصری است که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را شکل می‌دهد و به صورت کل، ویژگی‌های مشترک به وجود آورنده یک ملت یا یک ملت را شکل می‌دهد و بدون وجود فرهنگ واحد، شهروندان یک کشور را نباید یک ملت نامید. راهبردها و راهکارهای توسعه و ترویج فرهنگ سالم که در واقع زمینه‌ساز بنیان‌های جامعه سالم و الهی است، امروزه جزء نیازهای جدی جوامع بشری به شمار می‌آید که باید با بررسی نوع رفتارهای الگوهای قابل دسترس و انسان‌های کامل و با بهره‌گیری از تجربیات تاریخی و شیوه رفتاری امامان معصوم (علیهم السلام) گسترش یابد. از آن‌جا که دگرگونی فرهنگی می‌تواند مسیر جوامع را هدایت کند، انتقال و ترویج فرهنگ درست برای جامعه امروز و آیندگان و نیز نوآوری فرهنگی با تکیه بر سیره امامان معصوم (علیهم السلام) به ویژه امام کاظم (ع) از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند الگوهای علمی و عینیت‌یافته و درعین حال مطابق با ضرورت‌های موجود و نیازهای جوامع بشری را ارائه نماید. لذا به تعریف کاربردی و مضاف از فرهنگ با عنوان فرهنگ دینی در این پژوهش توجه می‌شود. این نوع توجه،

ص: ۳۶۰

در واقع بر اساس بررسی نوع رفتار، عملکرد و تجربه تاریخی کسی است که در مقام رهبری دینی، در صدد الگوپذیری از کنش‌ها و واکنش‌های فردی و اجتماعی از ایشان هستیم. این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از منابع تاریخی و حدیثی و با ارائه چارچوب معین، سیره فرهنگی امام هفتم را واکاود تا با تکیه بر این مستندات تاریخی و حدیثی، ضمن توصیف نوع رفتار و عملکرد فرهنگی آن بزرگوار در مواجهه با مخاطبان فرهنگی و با تحلیل و تبیین آن، به الگوی فرهنگی مناسبی برای جامعه امروز دست یابیم. این تحقیق مبتنی بر سؤالات اصلی و فرعی است؛ از جمله:

با واکاوی و بررسی سیره عملی و نظری امام کاظم (ع) چگونه به الگویی مناسب و کاربردی برای تبیین و ترویج فرهنگ دینی در جامعه امروز می‌توان دست یافت؟

امام برای توسعه فرهنگ دینی از چه روش و ابزاری بهره بردند و پیامدهای این روش و ابزار در جامعه چگونه منعکس شده است؟

با توجه به این پرسش‌ها، فرض بر آن است که سیره فرهنگی امام کاظم (ع) بر اساس اوضاع سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه مسلمان و برای حفظ کیان اسلام در آن روز شکل گرفته و رفتار امام، راهکاری مناسب برای برون‌رفت جامعه از مشکلات موجود و زمینه‌ساز توسعه و ترویج فرهنگ دینی بوده است.

مفاهیم

۱. سیره

سیره در لغت و اصطلاح، تعریف و تبیین شده است. این واژه از نظر واژه‌شناسان معانی متعددی دارد؛ مانند روش، طریقه، سنت، ۲ سبک و نحوه انجام دادن کار،

ص: ۳۶۱

حرکت در روز، حرکت در شب و مطلق حرکت کردن و راه رفتن. سیره را مثل فطره بر وزن «فعله» گرفته‌اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می‌کند. ۳ به گفته راغب اصفهانی، سیره به معنای حالتی است که انسان یا غیر او بر آن حالت زندگی می‌کند؛ چه آن حالت غریزی باشد و چه اکتسابی چنان که سیره در قرآن به همین معنا به کار رفته است ۴: (سُنْعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى)؛ ۵ «ما آن (ازدها) را به حالت اولش (عصا) برمی‌گردانیم.» به نظر اهل لغت، یک نوع سیر و حرکت در قالب راه رفتن یا فعالیت‌های دیگر در مفهوم سیره نهفته است؛ همان‌گونه که مشتقات آن مانند «سار، سَير، يسيرُ و سِيرُوا»، به نوعی متضمن معنای رفتار و حرکت هستند. هم‌چنین کاربرد مشتقات سیره در قرآن کریم، به شکل امر: (سِيرُوا فِي الْأَرْضِ)؛ ۶ و فعل مضارع: (أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ)؛ ۷ ناظر به همین معناست.

۲. فیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۴.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، واژه سار، ص ۴۳۳.

۵. طه، آیه ۲۱.

۶. انعام، آیه ۱۱.

۷. روم، آیه ۹.

سیره در اصطلاح، به معانی متفاوتی به کار رفته و تعریف واحدی که مورد اتفاق همه اندیشه‌وران باشد، تاکنون درباره آن وجود ندارد. برخی از سیره‌شناسان، آن را به معنای طریقه و حالت دانسته‌اند که برگرفته از مفهوم لغوی این واژه است. ۸. بعضی دیگر، سیره را برابر با تاریخ و ثبت وقایع تاریخی قرار داده‌اند که دامنه وسیعی همانند تاریخ می‌یابد؛ چنان که عرف تاریخ‌نویسان، همین معنا را تأیید می‌کند و برداشت عمومی آن‌ها از سیره، ذکر حوادث و سرگذشت افراد است که سیره‌های تدوین‌یافته به وسیله آنان، بر این امر گواهی می‌دهد. ۹.

ص: ۳۶۲

شهید مطهری در بحث سیره نبوی، در مفهوم شناسی سیره، بحث دقیقی دارد. ایشان هم‌وزن بودن سیره با هیئت «فعله» را دلیل بر این قرار داده که این هیئت معنای خاصی به آن می‌بخشد و آن معنا، عبارت از نوع و سبک خاص رفتار است. ایشان هر رفتاری را اصطلاحاً سیره نمی‌نامد؛ بلکه به نظر ایشان، رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود؛ ۱۰ زیرا هیئت مذکور در لغت عرب، بر نوع و روش خاص دلالت دارد؛ چنان که اگر گفته شود جلست «جلسه»، نوع مخصوص نشستن را می‌رساند؛ برعکس اگر بگوییم جلست «جلسه»، به مطلق نشستن دلالت دارد. ۱۱ بر این اساس و با توجه به مقتضی بحث که درباره نوع رفتار و روش امام کاظم (ع) در فعالیت‌های فرهنگی است، تعریف شهید مطهری در مورد سیره، معیار و مبنای این تحقیق خواهد بود.

۲. فرهنگ / فرهنگ دینی

واژه فرهنگ نیز تعاریف متعددی دارد. به اعتقاد برخی اندیشه‌وران، حدود سیصد تعریف از این واژه ارائه شده، ۱۲ اما آنچه در این پژوهش به آن توجه می‌گردد، تعریفی نسبتاً کلی است که در واقع می‌توان آن را وجه جمعی برای اغلب تعاریف ارائه شده دانست. طبق این تعریف، فرهنگ عبارت است از: مجموعه‌ای از عقاید، عادات، فرم‌ها و هنرهای متعلق به جمعی از انسان‌ها در زمان و مکان مشخص. ۱۳.

فرهنگ بر اساس این تعریف، همان رفتارهای انسانی است که با عقیده خاص

۸. علامه طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۴، ص ۱۹۹.

۹. سیره‌های نوشته شده به وسیله تاریخ‌نگاران مانند سیره ابن هشام، ابن اسحاق، حلبی، ابن عساکر و امثال آن و نوع نگاه نویسندگان به سیره، گویای این مطلب است که سیره در معنای حقیقی خود تنظیم نشده و صرفاً به صورت مجموعه‌ای از اطلاعات ریز و درشت از زندگی حضرت جمع آوری شده است.

۱۰. شهید مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۴۵.

۱۱. همان، ص ۴۶.

۱۲. میرسپاسی، «مقاله اقتصاد و مدیریت»، مجله مدیریت تطبیقی و تطبیق مدیریتی، ش ۸ و ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰.

۱۳. همان.

و به شیوه خاص ارائه می‌شود. نوع رفتار فردی و اجتماعی که بر اساس یک سری از ارزش‌های یک گروه خاص در زمان و مکان مشخص بروز می‌یابد نیز یکی دیگر از ابعاد این تعریف است. از آن‌جا که مقاله در صدد بررسی سیره علمی و نظری رهبری دینی امام کاظم (ع) است، به مقتضای حال و مقال باید در مورد فرهنگ دینی بحث به میان آورد. در این مقاله، از جامعه دینی بحث می‌شود که تحت تأثیر فرهنگ خاص است. این فرهنگ با عنوان فرهنگ دینی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: فرهنگ دینی در یک جامعه، بیانگر وجود و حضور دین و شاخصه‌های دینی در آن جامعه بوده است. این نوع فرهنگ برآیند دین و منطبق بر دین است. فرهنگ دینی، فرهنگی به شمار می‌آید که جهان‌بینی دینی پشتوانه آن است. جهان‌بینی نگرشی است که تکلیف انسان را در برابر همه چیز در چارچوب آموزه‌ها و روش و منش الهی تعیین می‌کند. فطری بودن، داشتن منشأ الهی، پویایی و غیرایستایی بودن و قدرت نفوذ حداکثری، از جمله ویژگی‌های این نوع از فرهنگ است. ۱۴

اکنون با مبنا قرار دادن این تعاریف به عنوان چارچوب بحث، وارد شواهد و گزارش‌های تاریخی شده، به رفتار و روش فرهنگی امام کاظم (ع) به عنوان یک الگوی راهبردی عملی برای جامعه امروز، بیش‌تر دقت و آن را بررسی می‌کنیم.

اوضاع سیاسی، فکری و فرهنگی عصر امام کاظم (ع)

پیش از ورود به بررسی سیره فرهنگی امام کاظم (ع) ضروری است به وضعیت سیاسی، فکری و فرهنگی عصر ایشان پرداخته شود تا ضمن تبیین جو سیاسی و فکری حاکم بر جامعه و میزان اثرگذاری آن بر تحولات جامعه، نقش رفتارهای

سازنده امام کاظم (ع) در اصلاح فرهنگی جامعه اسلامی و به ویژه جامعه شیعه برجسته گردد.

امام کاظم (ع)، هفتمین امام شیعیان، در سال ۱۲۸ قمری در منطقه ابواء- میان مکه و مدینه- از مادری به نام حمیده بربریه، به دنیا آمدند. پس از شهادت پدر بزرگوارشان در سال ۱۴۸ قمری دوره امامت ایشان آغاز شد و عمر شریفشان در مدینه و بغداد گذشت. ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت در منابع مختلف اشاره شده است. امام (ع) در طول حیات خویش، با چند تن از حاکمان عباسی هم‌عصر بودند: منصور دوانیقی (۱۳۶-۱۵۸ ق)، محمد معروف به مهدی (۱۶۹-۱۵۸ ق)، هادی (۱۶۹-۱۷۰ ق)، هارون (۱۷۰-۱۹۳ ق).

سال‌های نخستین تشکیل حکومت عباسی (۱۳۲ ق) با دوران امامت آن حضرت مصادف شده بود و همین امر، موجبات فشار بیش‌تر بر آن امام را فراهم می‌کرد. این مسأله در کنار سایر مسائل موجود، بر جامعه شیعی تحمیل می‌شد. چالش‌های سیاسی، فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه در دوره امام کاظم (ع) را می‌توان چنین بر شمرد:

۱. نوزایی قدرت، تشکیل حکومت عباسی و تلاش برای حفظ قدرت؛
۲. مشروعیت طلبی حکومت عباسی و مقابله با خاندان علوی؛
۳. شهادت امام صادق (ع) و ایجاد تفرقه داخلی در جامعه شیعه؛
۴. تلاش برای بازگرداندن وحدت جامعه شیعی و جلوگیری از ایجاد فرقه‌های جدید؛
۵. حفظ جامعه شیعی و رسیدگی به اوضاع مالی شیعیان؛
۶. ظهور قیام‌های شیعی و فشار بر امام کاظم (ع) به عنوان بزرگ خاندان علوی؛
۷. پاسخ به مسایل دینی و علمی.

ص: ۳۶۵

در دوران افول حکومت امویان، تاریخ به تدریج نوزایی حکومت تازه‌ای را شاهد بود که با فعالیت‌ها و دعوت‌های مخفی شکل می‌گرفت. ارسال داعی به مناطق مختلف جهان اسلام به ویژه خراسان، زمینه پیروزی این خاندان را فراهم ساخت تا این‌که در سال ۱۳۲ قمری، اولین حاکم عباسی، ابوالعباس سفاح، بر مسند حکومت نشست. از اولین حرکت‌های سفاح، گرفتن انتقام خون هاشمیان و واقعه کربلا از امویان بود. ۱۵ در نتیجه سپاهی به فرماندهی عموی خود عبدالله بن علی برای جنگ با مروان حمار گسیل داشت. عباسیان شکست سنگینی را بر امویان تحمیل کردند. اشاره به این واقعه تاریخی، در واقع بدین علت است که عباسیان در ابتدا برای جلب نظر مسلمانان و به ویژه علویان که جایگاه ویژه‌ای نزد جامعه مسلمانان داشتند، برای مشروعیت بخشی به حکومت نوپای خود استفاده کردند. همین امر، جامعه شیعی را می‌توانست دچار چالش جدی هویتی و سیاسی کند. لذا ائمه معصوم (ع) هم عصر عباسیان، به ویژه امام کاظم (ع) درگیر و در محافظت از جامعه، دچار مشکلات فراوان شدند. عباسیان پس از استقرار نسبی، به تدریج در صدد حذف شخصیت‌های سرشناس علوی برآمدند. آنان ابتدا امام صادق (ع) را به شهادت رساندند. دوران امامت امام کاظم (ع) نیز با چالش‌های سیاسی عصر امام صادق (ع) مواجه بود، در حالی که بحران تعیین امام پس از امام صادق (ع)، به طور فزاینده در جامعه و حتی در میان خواص در حال گسترش بود. این امر بنا به دلایل سیاسی، از جمله ترس از آزار و اذیت امام بعدی، امام صادق (ع) را واداشت تا در وصیت خویش نام چند نفر از جمله منصور را به عنوان جانشین تعیین فرماید تا از این راه جان امام بعدی در امان بماند. لذا در دوره امام صادق (ع)، امام بعدی برای عموم و گاه برای برخی خواص نیز ناشناخته ماند و همین امر، سردرگمی در مسأله تعیین امام بعدی در میان جامعه شیعه را سبب شد.

ص: ۳۶۶

امام در آن اوضاع خاص سیاسی، کوشید تا چالش افتراق جامعه بیش تر نشود. سردرگمی جامعه شیعه که موجب حیرت در امر امامت شده بود، برای اصحاب امام هم پوشیده ماند تا حدی که فردی از اصحاب از خود حضرت در مورد امام بعدی پرسید. ۱۶ قطب‌الدین راوندی می‌نویسد:

هشام بن سالم گوید: «همراه مؤمن الطاق در مدینه بودیم که دیدیم شماری بر در خانه عبدالله بن جعفر بن محمد گرد آمده‌اند. ما مسائلی از عبدالله درباره زکات پرسیدیم ولی او جواب درستی به ما نداد. آن‌گاه بیرون آمدیم و نمی‌دانستیم از فرقه‌های مرجئه، معتزله، زیدیه و خوارج، کدام یک را قبول کنیم. در این حال شیخی را دیدیم که او را نمی‌شناختیم. گمان کردیم جاسوسی از جاسوسان منصور است ولی برخلاف این احتمال، او ما را به خانه ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) برد. در آن‌جا بودیم که فضیل و ابوبصیر وارد شده سؤالاتی نمودند و بر امامت ایشان یقین کردند. آن‌گاه مردم از هر سو دسته‌دسته می‌آمدند جز گروه عمار ساباطی و شماری که عبدالله بن جعفر را قبول داشتند.» ۱۷

سردرگمی موجود در جامعه شیعه و حتی در میان بزرگان اصحاب در این روایات مشخص است. نوبختی، سردرگمی جامعه شیعه پس از امام صادق (ع) را عمیق‌تر به تصویر می‌کشد. ۱۸ به گفته وی جامعه شیعه پس از امام صادق (ع) به شش گروه تقسیم شدند:

۱. معتقدان بر مهدویت امام صادق (ع)؛

۲. معتقدان به زنده بودن اسماعیل پسر امام صادق (ع)؛

۳. معتقدان به امامت محمد پسر اسماعیل؛

۴. معتقدان به امامت محمد دیباج پسر امام صادق (ع)؛

ص: ۳۶۷

۵. معتقدان به امامت عبدالله افطح؛

۶. معتقدان به امامت موسی بن جعفر (علیهما السلام).

حضور دیگر فرزندان امام صادق (ع) به عنوان رهبران و داعیه‌داران امامت، ویژگی خاص جبهه بندی‌های فکری در این دوره بود. همین امر زمینه‌های آشفتگی فکری جامعه را رقم می‌زد. در این وضعیت، مدیریت این اوضاع نابه‌سامان جامعه شیعه که در ابعاد کلامی خویش شکل می‌گرفت، بر امام کاظم (ع) ضروری بود؛ اما فشار حکومت عباسی بر جریان

۱۶. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۱.

۱۷. نک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ص ۲۹۷.

۱۸. نوبختی، فرق الشیعه، تصحیح سیدمحمد صادق آل بحر العلوم، ص ۷۸-۷۷.

شیعی امامی و به ویژه امام کاظم (ع) به گواهی تاریخ، سخت‌ترین دوران جامعه شیعه را رقم می‌زد؛ به گونه‌ای که در دوره مهدی عباسی با تضمینی که حضرت بر عدم قیام بر ضد حکومت به وی دادند از فشارها موقتاً رها شدند. نوع رفتار و چگونگی تعامل امام کاظم (ع) با اوضاع سیاسی، فکری، فرهنگی و ابزاری که امام برای کنترل جامعه شیعه بهره گرفتند، عبارتند از:

۱. گفتمان قرآنی و تولید فرهنگ

۱-۱- قرآن و تربیت جامعه

نقش سازنده قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی، بر همگان مبرهن است. قرآن به عنوان بزرگ‌ترین معجزه پیامبر (ص)، توانست جامعه عرب را متحول سازد. این تحول عمیق که در بعد فرهنگی بیش‌تر نمود یافت، در واقع نوعی حیات‌بخشی را برای جامعه آن روز به دنبال داشت؛ به گونه‌ای که بهره‌گیری مناسب از این ابزار فرهنگی در همه دوران‌ها می‌تواند راهبرد عملی مناسب در جهت ایجاد بسترهای فرهنگ‌ساز جامعه باشد. این ابزار سازنده در مواقع اختلاف و افتراق، بهترین ابزار ایجاد وحدت در میان گروه‌های مختلف است که می‌توان آن را وجه مشترک آنان دانست. در فضای فکری و فرهنگی پس از شهادت امام صادق (ع) و ایجاد فرقه‌های مختلف، اهمیت کانونی و نقش‌آفرین آموزه‌های قرآن کریم به عنوان

ص: ۳۶۸

وجه مشترک اعتقادی، سیاسی و فرهنگی، میان جامعه مسلمان به خوبی می‌درخشید. امام کاظم (ع) با درایت ویژه، به این امر توجه خاص داشتند و در سایه‌سار تحقق فرهنگ قرآنی، بر جامعه شیعه مدیریت و رهبری نمودند. تلاش آن حضرت در تأکید بر قرآن به عنوان نمونه مهم گفتمان رایج و مورد پذیرش همه گروه‌ها، می‌توانست زمینه را برای هدایت و جلوگیری از هرگونه توسعه انحراف عقیدتی و کلامی فراهم سازد. منابع حدیثی تاریخی برجای مانده در این زمینه، به موارد متعددی از اهتمام جامعه به قرآن از سوی امام کاظم (ع) و عامل بودن خود حضرت، اشاره کرده‌اند. مرحوم شیخ مفید می‌گوید:

مردم از امام موسی بن جعفر (ع) فراوان روایت کرده‌اند. او فقیه‌ترین مردم عصر و حافظ‌ترین مردم نسبت به قرآن و زیبا‌آوازترین مردم نسبت به قرائت قرآن بود. او با حزن و اندوه قرآن تلاوت می‌کرد و شنوندگان از آوای قرآن او به گریه می‌افتادند. مردم مدینه او را «زین‌المتهدجین» می‌نامیدند. ۱۹

در روایتی دیگر آمده است:

«و کانت قراته حزناً»

؛ قرائت آن حضرت حزن‌آور بود. ۲۰

۱۹. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۲۳۵.

۲۰. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۴.

یکی از اصحاب حضرت به نام حفص گوید:

در عمرم کسی را ندیدم که بیش‌تر از امام کاظم (ع) خداترس و به رحمت حق امیدوار باشد و قرآن خواندنش همراه با حزن بود و گویا هنگام قرائت به شخصی خطاب می‌کرد. ۲۱

آن حضرت در حدیثی، از جد بزرگوارشان نقل می‌کنند:

خدای تعالی بخشنده است و جود و بخشش و کارهای عالی را دوست می‌دارد و از کارهای پست ناخرسند است. بزرگداشت سه گروه از احترام به

ص: ۳۶۹

جلال الهی است: ریش سفید مسلمان، امام عادل و آن کسی که حامل و تسلیم قرآن کریم است، به گونه‌ای که نه اهل غلو است و نه از بار تکالیفش شانه خالی می‌کند. ۲۲

توجه امام کاظم (ع) فقط به بعد فردی و اهمیت جایگاه قرآن محدود نبود. ایشان همگام با این نوع توصیه‌ها، به تبیین و تفسیر آیات پرداختند و به گونه‌های مختلف، در جنبه‌های تفسیری آیات در جهت آگاهی‌دهی و توسعه فهم جامعه مسلمانان از آیات قرآن و ایجاد فضای مناسب برای تربیت فردی و اجتماعی افراد در جهت فرهنگ‌سازی و ترویج مفهوم حدیث ثقلین، در همتایی اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن کوشیدند. ایشان چارچوب رفتاری مناسب را که از ارکان تولید فرهنگ جامعه است، در سایه ارتباط با قرآن و درک و فهم عمیق آن میسر می‌دانستند. امام در ذیل توصیه به یکی از اصحاب خاص خویش به نام هشام بن حکم، درباره اهمیت عقل و به‌کارگیری این ابزار مهم در جهت دست‌رسی به فرهنگ درست دینی برای همه افراد جامعه، نکات بسیار سودمندی را از قرآن کریم یادآور شدند. هشام بن حکم می‌گوید:

ابوالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) به من فرمودند: یا هشام ان الله تبارک و تعالی بشرَّ اهل العَقل و الفهم فی کتابه فقال (فَبَشِّرْ عِبَادِ* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ). یا هشام ان الله تبارک و تعالی أكمل للناس الحجج بالعقول و نصر النبیین بالبیان و دلهم علی ربوبیتہ بالأدله...»

ای هشام، به راستی خدای تعالی اهل عقل و فهم را در کتاب خود مژده داده و فرموده: «مژده ده به آن بنده‌هایی که به سخن گوش نمایند و بهتر آن را پیروی کنند؛ آنان کسانی هستند که هم خدایشان رهبری کرده و هم

ص: ۳۷۰

۲۱. عطاردی، مسند الامام کاظم (ع)، مشهد، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲۲. علامه مجلسی، همان، ج ۹۲، ص ۱۸۴.

صاحب‌دلانند.» ای هشام، به راستی خداوند حجت‌ها را به واسطه عقول بر مردم تمام کرده و پیغمبران را به وسیله بیان یاری نموده و با دلیل به ربوبیت خود ره نموده ۲۳

پیام حضرت خطاب به هشام، برای همه بشر به عنوان یک راهبرد عملی درست برای جامعه آن روز با آن وضعیت و امروز با این موقعیت است. امام در واقع دنبال ترسیم شیوه‌ای مناسب برای برون‌رفت جامعه از معضل هجوم افکار، اندیشه‌ها و عقاید جدید و در صدد تذکر به جامعه شیعه و تأکید بر به‌کارگیری ابزار عقل به عنوان پیامبر باطنی برای مواجهه با شبهات مختلف موجود در جامعه بودند.

ابزار عقل در این نکته، وصف غربال‌گری سخنانی است که در جامعه به طور فزاینده در حوزه‌های مختلف فقهی، کلامی، سیاسی، اجتماعی و مطرح بود. توصیه امام برای مقابله، طرح جدا کردن سخن حق از غیر حق، سخن ضعیف از قوی و سخن منطقی از غیرمنطقی است تا بر اساس و محور عقل تصمیم گرفته شود.

خلاصه آن که امام به ابعاد ویژه آیات قرآن کریم توجه دادند. آن را به عنوان چارچوبی مناسب برای مقابله با هر گونه هجوم فکری فرهنگی، برای جامعه و به ویژه اصحاب توصیه کردند تا با تمسک دو ثقل شریف یعنی نقش راهبردی قرآن به عنوان برنامه مسنجم زندگی بشر، و رهنمودها و برنامه‌های مفسران قرآن یعنی اهل بیت (علیهم السلام) جامعه از هرگونه خطر فکری، فرهنگی، سیاسی و ... در امان ماند و در راه توسعه و رشد عقلی موفق‌تر ادامه حیات دهد.

ص: ۳۷۱

۱-۲- تبیین و تفسیر قرآن

الف) تبیین نکات تربیتی در فرهنگ‌پذیری

پیامبر (ص) در حدیث ثقلین فرمودند:

... انا تارک فیکم ثقلین، اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور، فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به فحث علی کتاب الله و رغب فیه، ثم قال و اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی ۲۴

دو استوانه ماندگاری دین در این حدیث ترسیم شده و قرآن و عترت هم‌تا معرفی گردیده‌اند. همتایی اهل بیت با قرآن در واقع به معنای مبین و مفسیر آیات و شکافنده علوم الهی است. امام کاظم (ع) نیز علاوه بر توصیه‌ها و تأکیدهای ویژه و عمومی برای جامعه مسلمانان در چگونگی بهره‌مندی از آیات قرآن برای روشن‌گری و هدایت این جامعه در فضای غبارآلود زمانه، به تفسیر و تبیین آیات قرآن برای اهل علم، برای جهت‌دهی فکری و فرهنگی جریان‌های موجود، به مسیر حقیقی و مقابله با شبهات موجود پرداختند. ایشان بخش‌های مهمی از آیات قرآن را تبیین کردند که در مورد

۲۳. کلینی، همان، کتاب عقل و جهل، حدیث ۱۲.

۲۴. ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۲، حدیث ۲۴۰۸.

مباحث اخلاق دینی مانند غیبت، توکل، ایمان و ... بود و بدین وسیله بسترهای فرهنگی و تربیتی جامعه را فراهم ساختند. برای مثال، از امام در مورد آیه (وَمَنْ يُتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) ۲۵ سؤال شد. حضرت در این باره فرمودند:

توکل بر خدا در جاتی دارد. یکی آن که در همه کار خود بر او توکل کنی؛ هر چه با تو کند، راضی باشی و بدانی در خیر خواهی تو کوتاهی نکند و

ص: ۳۷۲

بدانی که اختیار با اوست. پس بر خدا به واگذاری همه اینها توکل کن و در آن و جز آن به او اعتماد داشته باش. ۲۶.

ب) تبیین جایگاه امامت و فرهنگ سازی

امام غیر از تفسیر و تبیین آیات شرعی و اخلاقی، بعضی از آیات را تشریح کردند که گویای جایگاه ویژه و حساس امام و اهل بیت (علیهم السلام) بود. گاه امام در میان این پرسشها، معانی برخی آیات را به گونه‌ای تأویل برده، در معنای اصلی آن استعمال می‌کردند که این آیه در واقع در صدد تبیین جایگاه امامت و نقش راهبردی حضرت در مسیر هدایت جامعه بود. برای نمونه، علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) در مورد تأویل آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) ۲۷ پرسید و امام در جواب فرمودند:

هنگامی که امام خود را از دست دادید، چه کسی برای شما امام تازه خواهد آورد؟ ۲۸

همان گونه که از ظاهر آیه مشخص است؛ آیه به آب جاری اشاره می‌کند که مایه حیات موجودات است و امام، باطن آیه را مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان گستر او می‌دانند که مایه حیات جامعه انسانی است. ۲۹.

در گزارش دیگری، امام کاظم (ع) درباره اهمیت وجود و نقش فرهنگی و تربیتی امام در جامعه ذیل آیه ۱۹ سوره روم (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) می‌فرمایند:

زنده شدن زمین با باران نیست، اما خداوند مردانی را بر می‌انگیزد که عدل را زنده می‌کنند و زمین به سبب احیای عدل زنده می‌شود و برپایی حدود خداوند

۲۵. طلاق، آیه ۳.

۲۶. کلینی، همان، ج ۲، ص ۶۵، ۱۳۷۵.

۲۷. ملک، آیه ۳۰.

۲۸. غیبت نعمانی، ص ۱۷۶.

۲۹. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۰.

در زمین، از باران چهل صباح سودمندتر است. ۳۰

امام در این روایت، حیات معنوی زمین را به مؤلفه‌هایی مثل عدالت می‌دانند و اهمیت عدالت در جامعه را بیش‌تر و سودمندتر از حیات خاکی زمین می‌شمارند. توجه به این آیات و تبیین و تأویل معنا و بازگو کردن آن برای اصحاب در جهت معرفی جایگاه امامت، در واقع نوعی حرکت فرهنگی بود که بر اساس آن، علاوه بر تعریف جایگاه امام در جامعه، به نقش الهی امامت در اجرای حدود الهی تأکید می‌کنند و آن را تنها راه نجات بشر از هر گونه کج‌روی‌ها معرفی می‌فرمایند.

فضای فکری پس از شهادت امام صادق (ع) که در واقع بر سر تعیین امام پس از ایشان ایجاد شد، با تفسیر آیات قرآن به عنوان وجه مشترک همه فرق موجود، قابل رفع و اصلاح بود. تأکید امام بر توجه اصحاب و توسعه دانش قرآنی، در مقابله با تفرقه و رشد شبهات کلامی می‌توانست مؤثر باشد. لذا گزارش‌های موجود و روایت‌های برجای مانده از رویکردهای تفسیری و قرآنی امام کاظم (ع) حاکی از این مطلب است که امام، بنای توسعه این آموزه‌ها از دل آیات قرآن را داشتند. در برخی از آیات که منحصرأً قابل تطبیق بر مصداقی خاص است، این نوع رویکرد حضرت در تبیین آن بسیار مشهود است. امام کاظم (ع) در مورد آیه ۵۹ سوره نساء (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) می‌فرمایند:

منظور از اولی الامر علی ابن ابی طالب و اوصیای پس از ایشان هستند. ۳۱

در این آیه، اطاعت از اولی الامر در کنار اطاعت رسول خدا (ص) آمده و این اطاعت، به طور مطلق واجب شده است. اطاعت مطلق از افراد، در صورتی واجب است که آنان معصوم باشند، پس اولی الامر نیز مثل پیامبر (ص) باید معصوم باشند. تنها علی بن ابی طالب و اوصیای بعد از ایشان معصوم بودند و آیه قابل

انطباق بر دیگر مصادیق نیست. توجه امام به این نکته در موقعیتی مطرح شد که حتی یاران امام نیز در حیرت به سر می‌بردند و همین نکات، می‌توانست علاوه بر تبیین جایگاه علمی امام کاظم (ع)، راهبردی عملی برای حفظ کیان تشیع از خطرهای فکری باشد.

ج) قرآن و پاسخ به شبهات کلامی

فضای ترسیم شده در مطالب گذشته از عصر امامت امام کاظم (ع) نشان‌دهنده حساسیت فعالیت‌های فرهنگی ایشان است. فشارهای سیاسی حکومت عباسی از یک سو و هم‌نوایی و هم‌سوایی با برخی فرق کلامی مانند عقل‌گرایی معتزله و

۳۰. کلینی، همان، ج ۷، ص ۱۷۴.

۳۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳.

حضور باقی مانده عقاید فرقه‌هایی چون زنادقه که در صدد تخریب چهره اسلام بودند، عواملی است که بر حضور امام و اهمیت کارکرد علمی و فرهنگی امام تأکید دارد. با حضور و رونق مشرب‌های فکری و کلامی، انعکاس رفتارهای علمی امام نیز تغییر یافت. امام کوشیدند تا با ایجاد سیر اعتقادی، با تکیه بر آیات قرآن به این نیاز جامعه پاسخ دهند. این امر در تبیین مفاهیم و تفسیر آیات مختلف که ذکر شد، گذشت. اما توجه امام به برخی از این آیات، در بردارنده هدفی خاص است. پاسداری امام از مرزهای فکری شیعه در زمینه‌های مختلف به ویژه عقیدتی، از لوازم جامعه آن روز بود که امام با استفاده از برخی آیات قرآن و استناد به آن، برای مدعی خویش دلیل می‌آوردند.

از امام کاظم (ع) در مورد رایج‌ترین بحث آن روز یعنی رؤیت خداوند پرسیده شد. امام در پاسخ این‌که آیا پیامبر (ص) خداوند را دید؟ فرمودند:

بله با قلبش او را دید. آیا نشنیده‌ای که خداوند عزوجل می‌فرماید: (مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى) ۳۲ پیامبر (ص) خدا را با چشم ندید اما او را با قلب دید. ۳۳

ص: ۳۷۵

(د) مقابله با مشروعیت‌طلبی عباسیان

عصر امام کاظم (ع) با دهه‌های نخستین حکومت بنی عباس مصادف بود. امام به گونه‌ای خاص، سعی می‌کردند با مشروعیت‌طلبی خاندان عباسی از طریق ادعای ارث‌بری از پیامبر (ص) مقابله کنند. آنان با این ادعا که عباس عمومی پیامبر (ص) در ارث‌بری اولی از دیگران بود، ادعاهایی را برای ایجاد مقبولیت عمومی و پس از آن مشروعیت مطرح می‌ساختند که امام با استناد به قرآن کریم، با آن مقابله می‌کردند. خلفای عباسی که خود را پسر عمومی پیامبر (ص) می‌دانستند، همواره خود را در مواجهه با رقیبی جدی یعنی ائمه می‌دیدند. تلاش فراوانی برای تخریب شخصیت آنان انجام دادند. آنان ادعا می‌کردند، ائمه که از فرزندان دختری پیامبر (ص) هستند، نمی‌توانند ذریه ایشان محسوب شوند. آنان هم‌چنین فضایل عباس عمومی پیامبر (ص) را بیش‌تر از علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) می‌دانستند و بر آن دامن می‌زدند. آنان با عوام‌فریبی، دنبال مقاصد خود بودند لذا امام کاظم (ع) با تمسک به آیات قرآن به مقابله با آنان پرداختند.

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا در گزارشی مفصل، به موضوع بحث امام کاظم (ع) و هارون اشاره می‌کند که نمونه بارز فعالیت‌های فرهنگی حضرت در تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) و حقانیت و اولویت آنان به امر خلافت است.

هارون به امام کاظم (ع) عرض کرد: «چگونه و به چه دلیل می‌گویید ما نسل و ذریه پیامبر هستیم حال آن‌که پیامبر از خود نسلی بر جای نگذاشته و نسل انسانی، از اولاد ذکور است و نه اولاد انات و شما فرزندان دختر او هستید درحالی‌که دختر نسل ندارد؟» امام کاظم (ع) فرمودند:

۳۲. نجم، آیه ۱۱.

۳۳. عروسی حویزی، نورالثقلین، ص ۱۵۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .. (وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) ۳۴
سپس فرمودند: «پدر عیسی کیست؟» گفت:

ص: ۳۷۶

«عیسی پدر ندارد.» فرمود: «پس ما از طریق مریم به سایر فرزندان انبیا ملحق کردیم و به همین ترتیب، ما از طریق مادرمان فاطمه (علیها السلام) به نسل رسول الله (ص) ملحق می شویم.» ۳۵

استناد و استدلال امام به قرآن و بهره‌گیری از فهم درست آیات در وضعیت خاص سیاسی - فرهنگی آن دوره، الگویی ویژه و راهبردی برای پیروان ایشان ارائه می‌دهد. تمسک به قرآن با جایگاه ویژه ترسیم شده و فهم و درک آیات آن، بهترین شیوه برای برون‌رفت جامعه از مشکلات و آسیب‌های سیاسی، فکری و فرهنگی است.

۲. تولید ابزار فرهنگ‌ساز (توسعه علوم)

لازمه حرکت‌های فرهنگی، وجود ابزارهای مناسب و بهره‌مندی از آن است. بی‌شک این ابزارها، هم باید به صورت سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری در حرکت‌های فرهنگی اثرگذار باشد. به اعتبار اوضاع فکری - فرهنگی، دوران زندگی امام کاظم (ع) را می‌توان دوره بدعت نامید. در آن دوران، با توجه به گسترش جغرافیایی فتوحات، هر روز عقاید تازه‌ای در لباس فرهنگ و مذهب وارد جامعه می‌شد و مورد پذیرش و حمایت و تأیید حکومت عباسی قرار می‌گرفت. امام کاظم (ع) برای مقابله با این جریان‌های فکری، ضمن توسعه مدرسه فکری فرهنگی شیعه که امام باقر (ع) و امام صادق (ع) تأسیس کرده بودند، تلاش‌های زیادی انجام دادند و در نتیجه، شیعیان زیادی از دور و نزدیک برای کسب فیض علم و فرهنگ به محضر ایشان رسیدند و در مدینه و مخصوصاً در ایام حج که امام عازم مکه بودند، از آن حضرت استفاده می‌کردند. تربیت شاگردان عالم و کارآمد، می‌توانست راهکار عملی مناسبی برای توسعه

ص: ۳۷۷

جایگاه امامت و علوم اهل بیت (علیهم السلام) باشد. عناصر کارآمد، مؤمن و معتقد به امامت حضرت و امامان قبل و بعد از ایشان در نقاط مختلف، پس از کسب فیوضات علمی و اخلاقی از امام کاظم (ع) به ترویج عقاید درست شیعی می‌پرداختند. حضور مؤثر این افراد، تدوین مجموعه‌های بسیاری از احکام اسلامی در موضوع فقه و حدیث و کلام را موجب شد. علاقه به علم و یادگیری، موجب می‌گردید فرمایش‌ها و فتاوی‌ای شرعی امام کاظم (ع) ثبت و ضبط شود. گزارش سیدبن طاووس بر این امر دلالت می‌کند:

۳۴. سوره انعام، آیه ۸۴ - ۸۵.

۳۵. شیخ صدوق، همان، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۵.

یاران و نزدیکان امام کاظم (ع) در مجلس درس آن بزرگوار حاضر می‌شدند و لوحه‌های آبنوس در آستین‌ها داشتند؛ هرگاه ایشان سخنی می‌فرمود یا در موردی نظری ارائه می‌داد، به ضبط آن مبادرت می‌ورزیدند. ۳۶

جایگاه علمی امام کاظم (ع) که بارها پدر بزرگوارشان توسط آن را تأیید کرده بودند، سیل مشتاقان به علوم اهل بیت (علیهم السلام) را به سوی ایشان روانه می‌ساخت. هر چند این چشمه جوشان اندیشه با وجود جو اختناق حاکمان عباسی، زیر فشارها، محدودیت‌ها و محرومیت‌های زیادی قرار داشتند، هیچ‌گاه تشنگان فرهنگ دینی اهل بیت (علیهم السلام) را از رسیدن به این مهم ناامید نساختند. بزرگان علمی و فرهنگی عصر امام کاظم (ع) را که همواره از خزانه علوم و حیانی ایشان سیراب می‌شدند افرادی چون: یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب السراد و احمد بن ابی نصر بزنطی بودند که از اصحاب اجماع و از خواص اصحاب امام (ع) به شمار می‌آمدند. ۳۷ اما افراد دیگری نیز تربیت‌یافته مکتب علمی امام کاظم (ع) بودند و در راه توسعه و ترویج فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و تربیت فرهنگی جامعه نقش داشتند: از جمله محمد بن خلاد،

ص: ۳۷۸

عبدالرحمان بجللی، علی بن جعفر، اسحاق بن عمار صیرفی، اسماعیل بن موسی بن جعفر، حسین بن علی بن فضال، داوود رقی، عبدالسلام بن صالح حصروی، موسی بن بکیر و اسماعیل بن مهران. ۳۸

مدرسه علمی امامین صادقین (ع) به عنوان امانتی سنگین و مهم در اختیار امام کاظم (ع) قرار گرفت. ایشان با هدف توسعه علوم دین و شریعت، گروهی از علما، راویان و محدثان را تعلیم و تربیت نمودند. با وجود شدت اختناق اوضاع سیاسی حاکم در آن زمان و فشار حاکمان بر امام، حضرت هرگز مسئولیت علمی خویش را رها نکردند از همین رو، موفق شدند تا تهاجم فرهنگی و علمی ملحدان و کافران زندیق را کنترل کنند. کتاب‌های رجال و تراجم، به بیش از سیصد راوی اشاره کرده‌اند که از امام کاظم (ع) حدیث نقل می‌کردند.

امام کاظم (ع) با توجه به اوضاع سیاسی، نوع مقابله و مبارزه با طاغوت را مبتنی بر رویکرد فرهنگی قرار دادند و به جای هرگونه اقدام سیاسی حاد، به جریان فرهنگ‌ساز مدرسه علمی با اولویت قرار دادن رهبری و ارشاد علمی و فکری دانشگاه جعفری، پایه‌های فرهنگ گسترده اسلامی را با آرا و نظریات خود محکم‌تر ساختند. پیگیری نهضت فرهنگی در آن دوران نسبت به دیگر اقدام‌ها، از چند جهت اولویت و فوریت داشت:

یکی آن‌که میراث عظیم و عمیق فرهنگی که امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) شروع کرده و امام صادق (ع) در حوزه گسترده‌تری مطرح کرده بودند، رها کردن این حرکت از سوی امام کاظم (ع) و امامان پس از آن حضرت در واقع موجب هدر رفتن تلاش‌های امامان پیشین می‌شد.

۳۶. شیخ عباس قمی، الانوار البهیة، ص ۹۵.

۳۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۵۰.

۳۸. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، امام موسی بن جعفر (ع) اسطوره مبارزه و قهرمان مقاومت و پایداری، ص ۱۲۲.

دوم آن که در آن موقعیت، خطر نفوذ اعتقادات فرقه‌های نوظهور و هم‌چنین فرهنگ‌های بیگانه در قلمرو فرهنگ اسلام ناب، خطری جدی و ویرانگر برای

ص: ۳۷۹

مبانی اعتقادی امت مسلمان بود. امام کاظم (ع) برای جلوگیری از نفوذ افکار الحادی در حوزه فرهنگی اسلام و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و اعتقادی پیروان خود، محور فعالیت‌های خویش را بر کارهای فرهنگی متمرکز کردند. ایشان با احاطه گسترده به مبانی مکتب و آگاهی از نیازمندی‌های جامعه، مجموعه ارزشمندی از احکام و معارف اسلامی در زمینه‌های مختلف را از طریق اصحاب و شاگردان خاص خود به یادگار گذاشتند که امروزه برنامه‌ای مدون و راهبردی عملی برای پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌آید.

۳. توسعه فرهنگی با شبکه سازمان‌یافته و کالت

دوره حکومت و امامت امام علی (ع) فرصت مناسبی برای حیات سیاسی - اجتماعی شیعیان به شمار می‌رفت. اما پس از شهادت حضرت و بعد از صلح تحمیلی بر امام حسن (ع) و قدرت یافتن امویان، فشارها بر جامعه شیعه افزایش یافت، به گونه‌ای که بزرگان از اصحاب ائمه از دم تیغ امویان می‌گذشتند. با زوال حاکمیت بنی‌امیه، با شعار «الرضا من آل محمد»، زمان احیای مجدد جامعه شیعه را نشان می‌داد، اما داعیه‌داران این شعار نیز همچون حکومت امویان، از هیچ فشاری بر امامان و جامعه شیعه دریغ نکردند و با تلاش‌های ضد شیعی خود، صفحه جدیدی در تاریخ تشیع رقم زدند. امامان شیعه در این دوران، تحت کنترل و فشار بیش‌تری قرار گرفتند و همین امر، زمینه‌های بروز مشکلات و معضلات متعددی را برای جامعه شیعه فراهم کرد. همان‌طور که گذشت، توسعه سرزمینی و جغرافیایی مرزهای اسلامی که در پی فتوحات رو به افزایش بود، زمینه مناسبی برای حضور عقاید، اندیشه و افکار ملل دیگر به درون جامعه اسلامی بوده است. وجود آسیب این چنینی، ائمه را بر آن داشت تا رویکرد مبارزاتی خود را رویکرد علمی - فرهنگی قرار دهند. لذا از دوره امامت امام سجاد (ع) به بعد، این فرایند مبارزاتی آغاز شد و در دوره‌های

ص: ۳۸۰

بعد به تدریج بسته به اوضاع زمانی، ادامه و توسعه یافت. بنابراین به طور طبیعی، به حلقه‌های ارتباطی بین امامان می‌توان پی برد و در واقع تحلیلی فرایندی از فعالیت‌های فرهنگی امامان شیعه می‌توان ارائه کرد. رویکرد اجتماعی و سازمانی در فعالیت امامان از دوره امام کاظم (ع)، پس از رویکرد تربیتی و تعلیمی امامان قبلی، شاهد بر این مدعا است که مکمل فعالیت‌های گذشته با رویکرد حفظ جامعه شیعه است و در ادامه با تلاش‌های امام رضا (ع) و امامان پس از ایشان به طور وسیع‌تر ادامه یافت.

دوران امام کاظم (ع) که به گواهی تاریخ از سخت‌ترین دوران حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه بود، با درایت و مدیریت بجا و خردمندانه آن امام بزرگوار، توانست به روند طبیعی خود ادامه دهد. امام کاظم (ع) با ایجاد شبکه منظم و کالت، وکلای خود را که از شاگردان تربیت شده مکتب ایشان بودند و به سلاح علم و ادب و فرهنگ علوی مسلح بودند، برای هدایت و مدیریت جامعه شیعه به مناطق مختلف فرستادند. وسعت سرزمینی و جغرافیایی جهان اسلام در پی

فتوحات ادوار نخستین اسلامی، رو به افزایش بود. به همین منوال، جغرافیای انسانی تشیع نیز پراکندگی چشم‌گیری داشت. شیعیان در برخی نقاط جهان اسلام حضور داشتند و همین حضور جامعه شیعی، لوازمی را در پی داشت. اطلاع از مسائل شرعی و آموزه‌های مذهب تشیع، پاسخ به شبهات اعتقادی موجود، رد دیون شرعی به امام، اداره موقوفات و کمک به نیازمندان شیعه، از مسائل مهمی بود که بر اساس آن برقراری ارتباط با امام را ضروری می‌نمود. اما محور فعالیت‌های این وکلا، توسعه فرهنگی دینی و به معنای دیگر پاسخ به شبهات و حفظ کیان جامعه شیعه از انحراف و توسعه مفهوم امامت و معرفی اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان الگوی راستین هدایت بود.

جو اختناق، امکان برقراری این ارتباط را فراهم نمی‌ساخت. لذا امام، یاران و شاگردان مورد اعتماد خویش را به نمایندگی از خود به سوی شیعیان مناطق

ص: ۳۸۱

مختلف راهی می‌کردند تا از این طریق، علاوه بر رفع نیازمندی‌های شرعی، واسطه مناسبی برای توسعه، ترویج و تعمیق آموزه‌های شیعی و راهبردی علمی برای تقویت مبانی فرهنگی شیعه امامی باشند. برخی از این وکلا عبارتند از:

۱. مفضل بن عمر جعفی در کوفه؛

۲. عبدالرحمان بن حجاج در بغداد؛

۳. عبدالله بن جندب در اهواز؛

۴. علی بن یقطین در کوفه؛

۵. اسامه بن حفص؛

۶. ابراهیم بن سلام نیشابوری در نیشابور؛

۷. یونس بن یعقوب در کوفه؛

۸. علی بن حمزه بطائنی؛

۹. زیاد بن مروان قندی (در قندهار)؛

۱۰. احمد بن بشر سراج؛

۱۱. عثمان بن عیسی رواسی در مصر؛

۱۲. منصور بن یونس بزرج؛

۱۳. حیان سراج. ۳۹

در کنار فرستادن وکیل، از دیگر راه‌هایی که امام با مناطق شیعه‌نشین برای ارتقاء فرهنگ دینی ارتباط برقرار می‌کردند، آمدن گروه‌های مختلف مردم و نمایندگان از مناطق دور بود. بعد از شهادت امام صادق (ع) شیعیان مناطق مختلف، برای شناخت امام بعدی و جانشین امام صادق (ع) نمایندگان خود را به مدینه فرستادند. این نمایندگان بعد از شناخت امام و ایمان به امامت و ولایت حضرت موسی بن جعفر (ع) و بیان دوستی و اطاعت، به سوی سرزمین‌های خود

ص: ۳۸۲

می‌رفتند؛ ۴۰ مانند محمد بن علی نیشابوری که از طرف شیعیان نیشابور برای دیدار با امام به مدینه آمد. وی از ثقات شیعه به شمار می‌آید و از امام روایاتی هم نقل کرده است. ۴۱

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه‌های راهبردی امام در شبکه وکالت، فعالیت‌های مخفی، استفاده از نیروهای توانمند علمی و اخلاقی و متعهد برای تحقق اهداف بسیار مهم در جهت زمینه‌سازی و آماده‌سازی جامعه برای عصر غیبت صغرا بوده است.

نتیجه

فرهنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر تحولات جامعه است که در همه جوامع به گونه‌های مختلف نمود دارد. برای توسعه این مؤلفه در جامعه دینی در جهت رواج و تقویت باورهای دینی و اصلاح سبک و رفتار دینی در زندگی، معرفی الگوی مناسب نیاز است. پیامبر (ص) و فرزندان ایشان، با استناد به آیه قرآن و حدیث ثقلین، بهترین الگو برای جوامع بشری هستند. نوع رفتار امام کاظم (ع) در فعالیت‌های فرهنگی، می‌تواند الگوی مناسبی برای توسعه فرهنگ دینی در جامعه و راهبردی عملی برای برون‌رفت جامعه بشری از چالش‌های فرهنگی باشد. امام در مواجهه با این چالش‌ها، رفتارهای متناسب و درخوری را به کار گرفتند و ضمن پاسخ به نیازهای فرهنگی، به تقویت مبانی فرهنگ دینی پرداختند. بنابراین می‌توان رفتارهای امام را به عنوان راهبردی عملی در سیره فرهنگی ایشان این‌گونه دانست:

۱. مقابله با چالش‌های زمینه‌ساز انحراف فرهنگی با ترویج و توسعه مبانی اعتقادی دینی مانند تبیین جایگاه امامت؛

ص: ۳۸۳

۲. ترویج قرائت قرآن به عنوان یکی از بهترین ابزارهای هدایت دینی؛

۳. توسعه فرهنگ قرآنی با تفسیر آیات و تبیین مباحث عقیدتی؛

۴. توسعه علم با تداوم حیات فرهنگی مدارس علمی؛

۴۰. باقر شریف قرشی، حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۱۸.

۴۱. همان. ج ۲، ص ۲۱۹.

۵. تربیت شاگردان عالم و وارسته و ارسال به نقاط دوردست جهان اسلام برای مبارزات فکری و فرهنگی؛
۶. تأکید بر فعالیت‌های مخفی برای حفظ جامعه شیعی از انحراف با تأسیس و تقویت شبکه سازمان‌یافته وکالت.

منابع

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ ق. ۱۹۹۹ م.
۳. ابن نعمان، محمد (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ دوم، بی‌تا.
۴. ابن شهر آشوب، السروی المازندرانی ابی جعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق البقاعی یوسف، قم: نشر ذوالقربی، ۱۳۸۴ ش.
۵. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (قدس سره)، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۶. دکتر میرسپاسی، «اقتصاد و مدیریت»، مجله مدیریت تطبیقی و تطبیق مدیریتی، ش ۸ و ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰ ش.
۷. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم: طلیعه نور، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- ص: ۳۸۴
۸. رضوی، سیدعبدالهادی، مقاله «بررسی و شناخت وجه تمایز فرهنگ دینی با سایر فرهنگ‌ها»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۸۱، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، نور الثقلین، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) اسطوره مبارزه و قهرمان مقاومت و پایداری، قم: انتشارات نوید اسلام، بی‌تا.
۱۲. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام الکاظم (ع)، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. فیومی، احمد بن محمد (۷۷۰ ق)، مصباح المنیر [فی غریب الشرح الکبیر للرافعی]، قم: دارالهجره، ۱۳۷۲ ش / ۱۴۱۴ ق.

۱۵. قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبه الله، الخرائج و الجرائح، تحقیق مدرسه الامام المهدي (ع)، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۶. قشیری النیشابوری، ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.
۱۷. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام موسی بن جعفر، نجف، مطبعة آداب، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. قمی، شیخ عباس، الانوار البهیة فی تواریخ حجج الالهیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. کلینی محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۲۰. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

ص: ۳۸۵

۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار کتاب سیری در سیره نبوی، قم: صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.
۲۴. نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی، فرق الشیعه، تصحیح سیدمحمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۵ ق.
۲۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا. ۴۲

ص: ۳۸۶